

تحول یافتگی من و اختلالهای شخصیت در مقایسه ی دو گروه زندانی و غیرزندان

حسن هادی نژاد^۱

هدف این پژوهش، بررسی رابطه ی تحول یافتگی من و اختلالهای شخصیت در افراد زندانی و مقایسه ی آن با افراد غیر زندانی است. آزمودنیها شامل دو گروه ۶۰ نفری بودند که در آن، گروه مطالعه از میان مردان زندانی (به غیر از زندانیان سیاسی) با تحصیلات اول راهنمایی تا دیپلم، زندان مرکزی شهر زنجان و گروه مقایسه از بین افراد غیر زندانی، با توجه به ویژگی های همتا شده با گروه مطالعه که سابقه بیماری روانی نداشتند، انتخاب شدند. به منظور به دست آوردن نیمرخ اختلالهای شخصیت از آزمون چند محوری بالینی (میلون ۱۹۸۷) و برای تحول یافتگی من ۴ عامل از آزمون ۱۶ عاملی کتل (۱۹۶۵) استفاده شد. یافته های تحقیق نشان دادند که گروه زندانی در تمام مقیاسهای اختلال شخصیت به جز مقیاس شخصیت وسواسی با گروه غیر زندانی تفاوت معنادار دارند. در مورد تحول یافتگی من در دو بعد نیرومندی من و حساسیت هیجانی بین دو گروه، تفاوت معنادار وجود داشت.

واژه های کلیدی: اختلالهای شخصیت، تحول یافتگی من، زندانی

مقدمه

آیا مجرمین، مجرم به دنیا می آیند یا مجرم پرورش می یابند؟ از دیرباز در بین اندیشمندان و جرم شناسان، دو دیدگاه در مورد شکل گیری جرم و بزهکاری مطرح بوده است که یکی از آنها به نقش وراثت و دیگری به نقش محیط، اهمیت بیشتری داده اند.

دیدگاه ارثی نگر، بر این باور بود که جرم، توسط افرادی صورت می گیرد که مجرم به دنیا می آیند و جامعه هر کاری در مورد آنها انجام دهد، آنان سرانجام مرتکب اعمال بزهکارانه خواهند شد، «گویی همواره نشان قابل بر پیشانی آنان خورده است» (آیسنک). از پیشگامان این دیدگاه لمبروزو^۲ بود که به عینی کردن مساله ی جرم پرداخت و در سال ۱۸۸۶ در کتابی که با عنوان «انسان بزهکار» منتشر کرد، از نظریه ی فطری بودن جنایت زایی دفاع کرد (منصور، ۱۳۵۱).

۱- هیات علمی دانشگاه تهران

دیدگاه محیطی نگر، با نادیده انگاشتن نقش وراثت، جرم را معلول عوامل اجتماعی مناسبات معیوب در جامعه ی انسانی و تعارضهایی می داند که در چارچوب آن به وقوع می پیوندند (ترک^۱، ۱۹۶۹؛ کویننی^۲، ۱۹۷۰؛ چامبلس و سیدنی^۳، ۱۹۷۱ نقل از دادستان، ۱۳۸۲). از این دیدگاه پدیده هایی چون فقر، انقلاب، جنگ و تحولات صنعتی عواملی هستند که یکی از پیامدهای آن افزایش جرم است.

اما، نه محیط و نه وراثت به تنهایی علت به وجود آمدن جرم نیستند. در قالب یک روی آورد تحولی و تالیفی باید به تمام ابعاد زیستی، روانی و اجتماعی توجه کرد. پایه های زیستی، آمادگی برای جرم را مهیا می سازد اما کیفیت تحول روانشناختی و چارچوبهای اجتماعی است که به جرم امکان بروز می دهد. این ابعاد، قابل تفکیک از یکدیگر نیستند و به نوعی در هم تنیده اند. زندگی در عصر حاضر، با قرار دادن انسانها در معرض موقعیتهای تنیدگی زا، تجهیزات و توانمندیهای روانشناختی، آنها را به چالش می طلبد. این توانمندیها به افراد در تدارک راهبردهای مقابله در مواجهه با تنیدگی، کمک می کنند در ارزیابی از واقعتهای موجود راهگشا هستند، کیفیت روابط بین شخصی را تنظیم می کنند، واکنشهای دفاعی را به راه می اندازند و در مهار برانگیختگی ها موثرند. یکی از این توانمندیها، «من» تحول یافته و نیرومند است که به بخش قابل ملاحظه ای از کنش ورپهای فرد در قلمروهای مختلف زندگی، پوشش می دهد. این سازه ی روان تحلیلیگری طی سالهای پس از شکل گیری، همواره مورد توجه اکثر متخصصان بالینی و درمانگران قرار گرفته است.

اولین نوشته ها در مورد من و کنشهای آن، با کارهای فروید و روان تحلیلیگری سنتی آغاز شد، اما به طور خاص از دهه های سوم و چهارم قرن بیستم در قالب روانشناسی من با آثار هارتمن^۴ قوت یافت و طی سه دهه ی اخیر، مولفانی چون لوینگر، به توصیف مراحل تحول آن پرداختند. هارتمن (۱۹۳۹، ۱۹۶۴/۱۹۵۸ نقل از شایر و کارور^۵، ۱۹۹۲) علاوه بر نقش تعارضی من که مورد توجه روان تحلیلیگری سنتی بود بر نقش سازشی و بدون تعارض من و خودمختاری آن تاکید کرد.

-
- 1- Turk
 - 2- Quinney
 - 3- Chamblis & Sidni
 - 4- Hartmann
 - 5- Schier & Carver

پس از آن وایت^۱ مفهوم انگیزشی من را مورد مطالعه قرار داد. بلاک و بلاک توجه خود را به جنبه های مهارگری و انعطاف پذیری من معطوف ساختند و در نهایت، لووینگر به اساس توحید دهنده من و راههایی که این کنش در طول حیات انسان طی می کند اشاره کرده است. (شایر و کارور، ۱۹۹۲)

بر اساس پژوهشهای صورت گرفته، بیش از ۹ میلیون نفر در جهان، زندانی هستند که نزدیک به نیمی از آنها مبتلا به اختلالهای شخصیت، به ویژه اختلالهای شخصیت ضداجتماعی و مرزی اند (فاضل و دانش، ۲۰۰۲). از سوی دیگر، تحقیقات مختلف ارتباط بین تحول یافتگی من و اختلالهای شخصیت ضداجتماعی و مرزی را نشان داده اند. با این حال، در تبیین این رابطه باید به تفاوت اختلالها توجه کرد؛ من تحول نیافته و ضعیف در اختلال شخصیت مرزی نقش دارد، اما من نیرومند همراه با فرامن ضعیف در شکل گیری اختلال شخصیت ضداجتماعی مشارکت دارد (میلون و دیویس، ۲۰۰۰). این مساله تا حدود زیادی، انعکاسی از عدم توافق روان تحلیلگران درباره ی متمایز بودن کنش فرامن از من است که هنوز هم ادامه دارد (مارشال، ۱۹۸۳ نقل از دادستان، ۱۳۸۲). چه بسیاری از کنش ورها که نظریه پردازان روانشناسی من و نوروان تحلیلگران برای من قایل هستند در روان تحلیلگری سنتی بخشی از کنشهای فرامن است.

مطالعات انجام شده (برودسکی، ۱۹۷۲؛ کوپینزی و همکاران، ۱۹۷۵ نقل از دادستان، ۱۳۸۲) نشان می دهد که افراد دارای اختلالهای شخصیت ضداجتماعی و مرزی بیشتر از سایرین در معرض ارتکاب جرم هستند و برخی ناتوانیها در آنها دیده می شود «گویی دیوانگی و شرارت در این افراد به هم آمیخته است» (میلون و داویس، ۲۰۰۰) و اینکه ما این افراد را در ارتکاب به جرم کاملاً بی اراده بدانیم (با تمام دفاعهای قانونی) چندان پذیرفتنی نیست.

پژوهشهای متعددی در این زمینه به بررسی میزان شیوع اختلالهای شخصیت و مطابقت آن با ضوابط تشخیصی پرداخته اند. برای مثال، برودسکی بر اساس جمع بندی نتایج ۹ تحقیق آمریکایی که بین سالهای ۱۹۱۸ تا ۱۹۷۰ انجام شده بود، میزان اختلالهای روانی در متهمان و مجرمان را بین ۱۶٪ تا ۹۵٪ برآورد کرد و متذکر شد که بیشترین فراوانی به اختلالهای شخصیت، اختصاص داشته است. کوپینزی و دیگران نیز در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که تکرار جرایم خشونت آمیز

در زندانیان آزاد شده ای که تشخیص اختلال شخصیت در مورد آنها عنوان شده بود، به مراتب بیش از آنهایی بود که در مقوله ی تشخیص روان گسستگی قرار گرفته بودند (دادستان ۱۳۸۲).
فاضل و دانش (۲۰۰۲) نیز با تحلیل ۶۲ مطالعه ی زمینه یابی از زندانهای ۱۲ کشور جهان بدین نتیجه رسیدند که ۴۷٪ از زندانیان دارای اختلال شخصیت ضداجتماعی و ۲۵٪ آنان دارای اختلال شخصیت مرزی هستند.

مولفان مختلف در بررسی علل شکل گیری اختلالهای شخصیت، به عوامل متفاوتی استناد کرده اند هوجینز (۲۰۰۱) به عوامل موروثی در پیدایش پرخاشگری و رفتار ضداجتماعی اشاره کرده است این عوامل موروثی به حساسیت پذیری بالا نسبت به اهانتها اشاره دارد و ظرفیتهای محیطی را محدود می کند مثل، مهارتهای مقابله با تنیدگی یا هوش کلامی که هم با پرخاشگری و هم با رفتار ضداجتماعی در رابطه است.

هارت (۲۰۰۲) با بررسی تغییرپذیری درون فردی^۱ گروهی از زندانیان زن که دارای اختلال شخصیت مرزی و خود دوستدار^۲ بودند، به این نتیجه رسید که عدم نظم دهی هیجانی^۳، مهمترین عامل تغییرپذیری و ناپایداری است. در تحقیق دیگری جندن و استیون (۲۰۰۲) رابطه ی نمویافتگی تحولی^۴ و اختلالهای شخصیت را مورد مطالعه قرار دادند. آنها نمویافتگی تحولی را بر اساس شاخصهای تحول یافتگی من، سبک دفاعی من و نمویافتگی کنش وری اجتماعی، ارزشیابی کردند. نتایج نشان داد افرادی که دارای سطوح پایین من و نمویافتگی کمتر کنش وری اجتماعی بودند، نمره های بالاتری در مقیاسهای اختلالهای شخصیت به دست آورند و سبک دفاعی ناکارآمدی داشتند. به عقیده ی این محققان، تحول یافتگی من می تواند آسیب شناسی شخصیت را به خوبی پیش بینی کند. با توجه به آنچه یاد شد، این تحقیق به دنبال تعیین نیمرخ اختلالهای شخصیت در افراد زندانی و مقایسه ی آن با افراد غیر زندانی شناخت میزان تحول یافتگی من در افراد زندانی و مقایسه ی آن با افراد غیر زندانی، رابطه ی تحول یافتگی من و اختلالهای شخصیت در افراد زندانی و غیر زندانی بوده است. با بررسی تحقیقات صورت گرفته در زمینه ی مورد مطالعه، به نظر می رسد اختلالهای شخصیت در افراد زندانی بیش از افراد غیر زندانی است.

1- in traindividal

2- narcissistic

3- emotional dysregulation

4- developmental maturation

روش

جامعه ی آماری، نمونه و روش نمونه گیری

این تحقیق، دو جمعیت را در بر می گیرد. گروه اول شامل تمام مردان زندانی (به غیر از محکومین سیاسی) ۱۸ تا ۴۰ سال، دارای تحصیلات اول راهنمایی تا دیپلم در زندان مرکزی شهر زنجان و گروه دوم، شامل تمام مردان غیرزندان ۱۸ تا ۴۰ سال با تحصیلات اول راهنمایی تا دیپلم شهر زنجان است. نمونه ی مورد مطالعه نیز دو گروه است. گروه مطالعه شامل ۶۰ نفر از جامعه ی آماری زندانیان انتخاب شده اند و گروه مقایسه نیز تعداد ۶۰ نفر از افراد غیر زندانی بدون سابقه ی اختلال روانی که بر اساس ویژگیهای سن، جنس و میزان تحصیلات با گروه مطالعه همسان شده اند. روش نمونه برداری برای هر دو گروه به صورت تصادفی ساده بوده است با این تفاوت که نمونه برداری برای گروه مطالعه به صورت قرعه کشی و برای گروه مقایسه با استفاده از جدول اعداد تصادفی (سرمد، بازرگان و حجازی، ۱۳۸۲) انجام شد.

ابزار

در این پژوهش از ابزارهای زیر استفاده شد:

الف- پرسشنامه ی چند محوری بالینی میلون دو^۱ (*MCMI-II*): توسط میلون (۱۹۸۷) و بر اساس نظریه زیستی- روانی- اجتماعی و تجربه بالینی و پژوهشی وی ساخته شده است. فرم تجدید نظر شده ی آن از ۱۷۵ جمله ی کوتاه خود- توصیفی با پاسخهای «بله» و «خیر» تشکیل شده که برای اجرای فردی و گروهی مناسب است. این آزمون ۲۲ مقیاس بالینی دارد که متشکل است از الگوهای شخصیتی^۲ (مقیاسهای اسکیزوئید^۳، اجتنابی^۴، وابسته^۵، نمایشی^۶ خوددوستداری، ضداجتماعی، آزارگری^۷، وسواس- بی اختیاری^۸، فعل پذیر- پرخاشگر^۹ و آزارطلبی^{۱۰})، الگوهای وخیم شخصیت^{۱۱} (شامل گسیخته ریختی^{۱۲}، مرزی و پارانوئید^{۱۳}) و نشانگان بالینی (مقیاسهای اضطراب، بدنی شکل^{۱۴}، آشفستگی دو قطبی^{۱۵}، کژخویی^{۱۶}، وابستگی الکلی، وابستگی

1- Millon Clinical Multiaxial Inventory - II

2- personality pattern

3- schizoid

4- avoidant

5- dependent

6- histrionic

7- sadistic

8- obsessive-compulsive

9- passive-aggressive

10- masochistic

11- sever personality pattern

12- schizotypal

13- paranoid

14- clinical syndrome

15- bipolar manic

16- dysthymia

دارویی، اختلال تفکر، افسردگی مهاد و اختلال هذیانی). البته با توجه به اهداف تحقیق نشانگان بالینی، مورد تحلیل قرار نگرفتند. این پرسشنامه دارای یک عامل تعدیل کننده (X) یک مقیاس اعتبار (V) و دو مقیاس سنجش گرایشهای پاسخ بر اساس نظریه میلون (Y و Z) را نیز شامل می شود.

این آزمون اولین بار توسط خواجه موگهی (۱۳۷۲) در ایران معرفی شد و یک مطالعه ی مقدماتی برای هنجاریابی آن در شهر تهران انجام شده است. ضریب پایایی آزمون از طریق همسانی درونی داده ها ۸۰/۰ و به روش بازآزمایی ۸۶/۰ گزارش شده است (خواجه موگهی، ۱۳۷۲).

ب- آزمون ۱۶ عاملی شخصیت کتل: که یک ابزار اندازه گیری تخصصی عوامل نخستین شخصیت است. عوامل ذکر شده در پرسشنامه ی کتل از قلمروهای مختلف شخصیت که در برگیرنده ی قلمرو استعدادها (هوش)، عوامل مزاجی و رگه های پویشی پایه (توحید خلق و خو) است، اخذ شده است (منصور و دادستان، ۱۳۸۱).

در تحقیق حاضر، به منظور ارزشیابی تحول یافتگی من، از چهار عامل آزمون کتل، پایداری هیجانی (C)، خلق استوار (G)، حساسیت هیجانی (I) و سلطه یا استیلا (E) استفاده شد. این عوامل به کنش وریهایی چون انعطاف پذیری، عدم تلقین پذیری، تغییر ناپذیری بازخوردی، پایداری رفتاری، پیش بینی پذیری، وظیفه شناسی، جامعه پذیری و پشتکار (منصور و دادستان، ۱۳۸۱) پوشش می دهند که منطبق با مبانی نظری تحول یافتگی من (لووینگر، ۱۹۸۷ نقل در شایر و کارور، ۱۹۹۲) است. روش اجرای آزمونها به صورت بالانس متقابل انجام گرفت، بدین صورت که به نیمی از آزمودنیها ابتدا پرسشنامه ی چند محوری میلون (MCMI-II) و به نیمی دیگر پرسشنامه ی شخصیتی کتل ارایه شد تا اثرات تقدم و تاخر احتمالی اجرای آزمونها از بین برود.

یافته ها

در جدول ۱ میانگین و انحراف استاندارد نمره های دو گروه زندانی و غیرزندانان در مقیاسهای اختلالهای شخصیت مقایسه شده اند. نتایج جدول ۱ نشان می دهد که در گروه زندانی، بالاترین نمره ها به ترتیب به مقیاسهای شخصیت مرزی، اسکیزوئید و ضداجتماعی اختصاص دارد در حالیکه در گروه غیرزندانان بالاترین نمره ها به ترتیب به مقیاسهای شخصیت خود دوستدار

آزارگر و اسکیزوئید اختصاص یافته است. در جداول ۲ و ۳ به مقایسه ی نیمرخ اختلالهای شخصیت در دو گروه زندانی و غیرزندانیه پرداخته شده است.

جدول ۱. مشخصه های آمار توصیفی دو گروه زندانی و غیرزندانیه در مقیاسهای اختلالهای شخصیت

مقیاسها	زندانیه (n=۵۴)		غیرزندانیه (n=۵۶)	
	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد
اسکیزوئید	۸۹/۷۸	۴۷/۷	۶۹/۶۷	۱۶/۲
اجتنابیه	۷۸/۲۰	۱۸/۲	۶۲/۰۹	۲۴/۸
وابسته	۷۱/۶۷	۱۹/۹	۵۹/۱۸	۲۵/۹
نمایشیه	۶۸/۴۳	۱۴/۷	۵۶/۰۹	۲۱/۶
خود دوست دار	۸۴/۰۶	۱۸/۷	۷۳/۲۹	۲۲/۷
ضد اجتماعی	۸۶/۹۱	۲۱/۹	۶۸/۸۸	۲۲/۱
آزارگر	۸۷/۰۲	۱۹/۳	۷۲/۵۳	۲۵/۹
وسواسی	۷۱/۴۱	۲۰/۹	۶۳/۱۸	۲۴/۹
فعل پذیر - وابسته	۸۳/۷۸	۲۵/۸	۶۵/۴۱	۲۸/۹
آزار طلب	۸۵/۵۲	۲۰/۴	۵۹/۳۹	۲۳/۹
گسیخته ریخت	۸۴/۴۴	۱۹/۶	۶۳/۶۹	۱۵/۹
مرزی	۹۸/۳۱	۲۱/۸	۵۲/۳۲	۲۰/۷
پارانوئید	۷۶/۰۷	۱۶/۴	۵۹/۱۸	۱۹/۴

با توجه به داده های جدول ۲ ضمن رد فرض صفر آزمون توازی و همواری نیمرخها، می توان نتیجه گرفت که فواصل دو گروه زندانی و غیر زندانی از یک مقیاس به مقیاس دیگر تفاوت معنادار دارند ($P < 0.01$). مجذور اتا برای آزمون توازی نیمرخها نشان می دهد نوسانات تفاوتیهایی که دو گروه زندانی و غیرزندانیه در اختلالهای مختلف شخصیت دارند، نسبت به کل واریانس نمره ها ۲۵/۵٪ است. همچنین مجذور اتای مربوط به آزمون همواری نیمرخها نشان می دهد رابطه ی بین نوع اختلال و سطح نمره ی آزمودنیها در اختلال مربوطه شامل ۶۷/۹٪ واریانس مشترک است (جدول ۲). مجذور اتای به دست آمده (جدول ۳) نشان می دهد که ۲۸٪ از تغییرات

نمره های اختلالهای شخصیت در آزمودنیها، قابل انتساب به عضویت آنها در گروههای زندانی و غیر زندانی است ($P < /0.1$).

جدول ۲: تحلیل نیمرخ (آزمون توازی و همواری نیمرخ دو گروه در مقیاسهای اختلالهای شخصیت)

فرضیه	لاندا ی و بلکز	F	سطح معنا داری	مجدور اِتا
توازی نیمرخها	۷۵۴	۲/۶۳۹	۰۰۴	۲۲۵
همواری نیمرخها	۳۲۱	۱۷/۰۷۵	۰۰	۶۷۹

جدول ۳: تحلیل نیمرخ (آزمون تفاوت سطوح نمره های دو گروه در مقیاسهای اختلالهای شخصیت)

منبع واریانس	مجموع مجدورها	درجه آزادی	میانگین مجدورات	F	سطح معناداری	مجدور اِتا
گروه	۱۲۲۵۱۷/۱۸	۱	۱۲۲۵۱۷/۱۸	۴۲/۰۹۹	۰۰	۲۸
خطا	۳۱۴۳۰۰/۶	۱۰۸	۲۹۱۰/۱۹			

نتایج حاصل از اجرای تحلیل واریانس تک متغیری برای مقایسه ی نمره های دو گروه در مقیاسهای اختلالهای شخصیت در جدول ۴ منعکس شده اند. نتایج جدول ۴ نشان می دهند دو گروه زندانی و غیر زندانی در تمام مقیاسهای اختلالهای شخصیت به جز مقیاس شخصیت وسواسی با یکدیگر تفاوت معنادار دارند ($P < /0.1$). نتایج به دست آمده، فرضیه ی تحقیق مبنی بر بالاتر بودن نمره های این مقیاسها در گروه زندانی را تایید می کند.

تفاوت در سطح تحول یافتگی من در دو گروه نیز با استفاده از تحلیل واریانس، مورد ارزیابی قرار گرفت. نتایج مذکور، بخشی از فرضیه ی دوم تحقیق را مورد تایید قرار دادند (جدول ۶). نتایج حاصل از تحلیل آماری نیز نشان می دهند که دو گروه زندانی و غیر زندانی در دو بُعد نیرومندی من و حساسیت هیجانی با یکدیگر، تفاوت معنادار دارند، اما در دو بُعد سلطه یا استیلا و خلق استوار تفاوت معنادار مشاهده نمی شود (جدول ۶).

جدول ۴: نتایج تحلیل واریانس تک متغیری (اختلالهای شخصیت در دو گروه)

متغیر وابسته	درجه ی آزادی	مجموع مجذورها	میانگین مجذورها	F	سطح معناداری
اسکیزوئید	۱	۱۱۱۲۵/۴۷	۱۱۱۲۵/۴۷	۸/۸۸۳	/۰۰۴
اجتنابی	۱	۷۱۳۸/۶۹	۷۱۳۸/۶۹	۱۵/۰۲	/۰۰۰
وابسته	۱	۴۲۸۷/۲۸	۴۲۸۷/۲۸	۷/۹۷	/۰۰۶
نمایشی	۱	۴۱۸۳/۹۲	۴۱۸۳/۹۲	۱۲/۱۵	/۰۰۱
خود دوست دار	۱	۳۱۸۸/۶۶	۳۱۸۸/۶۶	۷/۳۶	/۰۰۸
ضد اجتماعی	۱	۸۹۳۹/۱۶	۸۹۳۹/۱۶	۱۸/۵	/۰۰۰
آزار گر	۱	۵۷۶۶/۲۶	۵۷۶۶/۲۶	۱۰/۹۹	/۰۰۱
وسواسی	۱	۱۸۶۱/۵۱	۱۸۶۱/۵۱	۳/۵	/۰۶۴
فعل پذیر - وابسته	۱	۹۲۷۴/۰۳	۹۲۷۴/۰۳	۱۲/۳۳	/۰۰۱
آزار طلب	۱	۱۸۷۶۳/۹	۱۸۷۶۳/۹	۳۷/۸۲	/۰۰۰
گسیخته ریخت	۱	۱۱۸۳۴/۳	۱۱۸۳۴/۳	۳۷/۲۲	/۰۰۰
مرزی	۱	۵۸۱۵۴/۰۳	۵۸۱۵۴/۰۳	۷/۴۷	/۰۰۷
پارانویید	۱	۷۸۴۷/۵	۷۸۴۷/۵	۲۴/۲	/۰۰۰

جدول ۵: مشخصه های آمار توصیفی دو گروه زندانی و غیر زندانی در ابعاد تحول یافتگی من

انحراف استاندارد	غیر زندانیان (n=۵۶)		زندانیان (n=۵۴)		انحراف استاندارد	انحراف استاندارد	کل (n=۱۱۰)
	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد			
۴/۶	۱۴/۵۴	۴/۸	۱۵/۶۹	۴/۱	۱۳/۳۲	نیرومندی من (C)	
۳/۷	۹/۰۸	۳/۷	۹/۵۲	۳/۷۴	۸/۶۲	سلطه یا استیلا (E)	
۴/۱	۱۰/۶	۴/۲	۹/۸۳	۳/۹	۱۱/۵	حساسیت هیجانی (I)	
۲/۹	۱۲/۵۸	۳/۲	۱۲/۱	۲/۳۶	۱۳/۱	خلق استوار (G)	

مرزی و بُعد سلطه یا استیلا همبستگی منفی و معنادار وجود دارد. داده های جدول ۷ خاطر نشان می کند در گروه غیرزندان، بین دو مقیاس شخصیت مرزی و پارانویید با بعد خلق استوار همبستگی معنی داری وجود دارد که این همبستگی در مورد شخصیت مرزی، مثبت و در مورد شخصیت پارانویید، منفی است. همچنین بین مقیاس شخصیت وابسته و بعد حساسیت هیجانی نیز همبستگی منفی و معنی داری وجود دارد.

جدول ۸. مقایسه ی دو مقیاس شخصیت ضداجتماعی و مرزی با سایر مقیاس های شخصیت در گروه زندانی (N=۵۶)

مقایسه ی مقیاسها	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	F	آلفا
اسکیزویید	۴۴۴/۹	۴۴۴/۹	۱/۵۸	/۶۹۲
مرزی	۳۹۳۵/۵۷	۳۹۳۵/۵۷	۳/۳۸۷	/۰۰۱
اجتنابی	۴۰۹۰/۷۴	۴۰۹۰/۷۴	۱۰/۶۱۴	/۰۰۲
مرزی	۸۴۰/۶۶	۸۴۰/۶۶	۱/۳۷۰	/۱۷۳
وابسته	۱۲۵۴۳/۱۳	۱۲۵۴۳/۱۳	۱۰/۷۸۴	/۰۰۲
مرزی	۳۴۶/۶۸	۳۴۶/۶۸	۵/۱۹	/۶۰۵
نمایشی	۱۸۴۴۴/۵	۱۸۴۴۴/۵	۴۵/۳۵۱	/۰۰۰
مرزی	۱۱۲۴۰/۶۶	۱۱۲۴۰/۶۶	۹/۳۳۹	/۰۰۰
خود دوستدار	۴۳۹/۱۸	۴۳۹/۱۸	۱/۴۵۷	/۲۳۳
مرزی	۱۰۹۷۹/۶۳	۱۰۹۷۹/۶۳	۵/۶۵۱	/۰۰۰
آزارگری	۱/۶۶۷	۱/۶۶۷	۰/۰۴	/۹۵۲
مرزی	۶۸۹۰/۷۴	۶۸۹۰/۷۴	۷/۱۳۴	/۰۰۰
وسواسی	۱۲۹۷۳/۵	۱۲۹۷۳/۵	۱۱/۹۱۸	/۰۰۱
مرزی	۳۹۶/۴۶	۳۹۶/۴۶	۱/۱۰	/۹۱۲
فعل پذیر- پرخاشگر	۵۲۸/۹	۵۲۸/۹	۲/۱۳	/۱۵۰
مرزی	۵۳۶۳/۳۲	۵۳۶۳/۳۲	۴/۰۶۰	/۰۰۰
آزارطلب	۱۰۴/۱۶	۱۰۴/۱۶	۲/۱۰	/۶۴۹
مرزی	۳۹۸۷/۷۳	۳۹۸۷/۷۳	۲/۹۰۹	/۰۰۴
گسیخته ریخت	۳۲۷/۵۷	۳۲۷/۵۷	۶/۵۰	/۴۲۴
مرزی	۴۳۰۰/۱۲	۴۳۰۰/۱۲	۳/۲۳۷	/۰۰۲
مرزی	۷۰۲۶/۹۶	۷۰۲۶/۹۶	۴/۹۱	/۴۸۶
مرزی	۵۹۳۲/۶۷	۵۹۳۲/۶۷	۵/۲۴۲	/۰۰۰
پارانویید	۶۳۳۷/۵	۶۳۳۷/۵	۱۷/۰۴	/۰۰۰
مرزی	۵۴۲/۲۸	۵۴۲/۲۸	۲/۸۵	/۷۷۶

نتایج جدول ۸ نشان می‌دهند که دو مقیاس شخصیت ضداجتماعی و مرزی در گروه زندانی با تعداد زیادی از مقیاسها تفاوت معنادار دارد که در جهت تایید فرضیه ی تحقیق، مبنی بر بالاتر بودن نمره این دو مقیاس در این گروه است. شخصیت ضداجتماعی با مقیاسهای اجتنابی، وابسته نمایشی، وسواسی و پارانوئید تفاوت معنادار دارد و مقیاس شخصیت مرزی با مقیاسهای اسکیزوئید، نمایشی، خود دوستدار، آزارگری، فعل پذیر- پرخاشگر، آزارطلب، گسیخته ریخت و ضداجتماعی تفاوت معنادار دارد.

بحث و نتیجه گیری

در وهله ی اول، نتایج این تحقیق بیانگر تفاوت آشکار و معنادار بین نمره های دو گروه زندانی و غیرزندان در مقیاس اختلالهای شخصیت بود. این تفاوت به صورت یک نیمرخ شاخص از سازمان یافتگی اختلالهای شخصیت در گروه زندانی، نمایان می‌شود. همانطور که در نمودار ۱ مشاهده شد، نمره های گروه زندانی در تمام مقیاسهای اختلالهای شخصیت برافراشتگی بالاتر و معناداری در مقایسه با گروه غیرزندان نشان می‌دهد که با نتایج پژوهشهای فاضل و دانش (۲۰۰۲)، نی و فارمن (۲۰۰۵) تیمرمن و املکامپ (۲۰۰۶) هماهنگ است. این تفاوت به لحاظ بالینی نیز حایز اهمیت است چرا که برافراشتگی نمره ها در گروه زندانی، مرضی است اما حتی بالاترین مقیاس در گروه غیرزندان (خود- دوستداری) هم جنبه ی آسیب شناختی ندارد. در چارچوب نظری این یافته منطبق بر دیدگاه کرنبرگ^۱ (۱۹۹۶) است که هسته ی اصلی سازمان یافتگی اختلالهای شخصیت را دو اختلال شخصیت اسکیزوئید و مرزی می‌داند و ما به وضوح این سازمان یافتگی را در گروه زندانی می‌بینیم.

در آنچه مربوط به پایین تر بودن تحول یافتگی من در افراد زندانی است، نتایج حاکی از آن است که ابعاد تحول یافتگی من در دو گروه متفاوت است. در بُعد نیرومندی من، زندانیان در مقایسه با گروه غیرزندان دارای من ضعیف تر و در بُعد حساسیت هیجانی، دارای حساسیت هیجانی بالاتر هستند که هر دو مورد نمایانگر من کمتر تحول یافته در گروه زندانی است. من ضعیف همراه با هیجان پذیری بالا در این افراد سبب به وجود آمدن برانگیختگیهای شدید در مواجهه با محرکها و ناتوانی در مهار آنها می‌شود. در این

زمینه نیز این یافته ها با نظرات کرنبرگ در مورد سازمان یافتگی الگوهای نابهنجار شخصیت همسواست.

یافته ها این نکته را نیز نشان دادند که در گروه زندانی، نمره های مقیاسهای اجتنابی و آزارطلب با نیرومندی من، همبستگی نیرومندتری دارند. به نظر می رسد این رابطه می تواند انعکاسی از وضعیت آنها به عنوان افراد زندانی با سابقه ی دوره های جرم و زندانی شدن باشد.

در مورد مقیاس اجتنابی باید خاطر نشان ساخت که راهبردهای سازشی این افراد، ترس و عدم اطمینان به دیگران را انعکاس می دهد. به علت اینکه برانگیختگیها و آرزومندی آنها برای محبت و دل بستگی به تجربه ای از درد و غمگینی که احتمالاً بیشتر نیز با دیگران تجربه کرده منجر نگردد، دایما یک حالت هشیاری را حفظ می نماید. آنها تنها به وسیله ی کناره گیری فعال می توانند از خود مواظبت نمایند. علی رغم تمایل آنها برای برقراری ارتباط، یاد گرفته اند که بهترین شیوه، انکار این احساسها و رعایت حدی از فاصله ی بین فردی است (میلون و دیویس، ۲۰۰۰؛ مارنات ۲۰۰۳).

در توضیح ویژگیهای مقیاس آزارطلبی و رابطه ی آن با ضعف من نیز اشاره به موارد زیر، خالی از فایده نیست. این افراد با چالوسی و از خود گذشتگی با دیگران ارتباط برقرار می کنند. به دیگران اجازه می دهند و یا حتی تشویق می نمایند که از آنها سو استفاده نمایند. توجه آنها بیشتر به بدترین جنبه های خود معطوف می گردد و خود را سزاوار تحقیر و سرافکنندگی می دانند. به طور تکرار شونده و فعال بدبختی های گذشته خود را یاد آوری می کنند، همچنین شرایط خوب را هم تبدیل به وضعیتی می کنند که به طور بالقوه بیشترین پی آمد های مشکل زا را برایشان به بار می آورد. نقص های خود را غالباً تشدید نموده و خود را در یک وضعیت رقت انگیز و جایگاه پایین قرار می دهند. از نظر شناختی بی ثبات و متمایل به استفاده از مکانیسم بی ارزش سازی هستند (مارنات ۲۰۰۳).

در مورد رابطه ی تحول یافتگی من با مقیاس های اختلالهای شخصیت، نتایج تحقیق، رابطه ی قوی تری بین بعد نیرومندی من و مقیاسهای اختلال شخصیت نشان می دهد. یافته ها مبین این امر هستند که در زندانیان، بعد نیرومندی من با مقیاس شخصیت ضداجتماعی رابطه ی منفی و معنی داری دارد و بیانگر ناتوانی در مهار برانگیختگی، عدم تنظیم هیجانی و زیر پا گذاشتن قوانین و هنجارهای اجتماعی در این افراد است و همسو با نتایج به دست آمده از مطالعات مارزلی، فیلد

کلاسن و آلنیوک (۱۹۹۳) و جندن و استیون (۲۰۰۲) است. همچنین، نتایج نشان می‌دهد افرادی که در مقیاس شخصیت مرزی نمرات بالاتری گرفته‌اند، در بعد سلطه یا استیلا نمرات پایین‌تری دارند. آنها به آسانی متزلزل می‌شوند، دارای روابط ناپایدار هستند و نسبت به دیگران وابسته‌اند. بخش دیگری از نتایج مربوط به بالا بودن نمرات دو مقیاس شخصیت مرزی و اسکیزوئید در گروه زندانی است. روابط ناپایدار عاطفی و واکنش‌های شدید هیجانی از ویژگی‌های بارز شخصیت مرزی است که در اغلب زندانیان وجود دارد و به ایجاد بازخوردی همراه با بی‌اعتمادی از جانب افراد جامعه، نسبت به آنها می‌شود و پیامد آن بوجود آمدن حصار و محدودیت در روابط با افراد جامعه است. همچنین ترس واقعی یا خیالی آنها از طرد شدن که در گزارشات افراد زندانی به فراوانی دیده می‌شود، نقش مهمی در بروز جرم دارد. بدین شکل که طرد از گروه، معمولا پرخاشگری نسبت به آن مرجع را به دنبال دارد.

دومین مقیاسی که بالاترین نمره در گزارشهای زندانیان را به خود اختصاص داده مقیاس شخصیت اسکیزوئید است که با علایمی چون فقدان تمایل و ناتوانی در تجربه نمودن لذت یا درد مشخص می‌شود. این افراد، بی‌تفاوت، بی‌حال و سست، دیر آشنا، سرد و غیر اجتماعی هستند. نیازهای محبت‌آمیز و احساسات هیجانی آنها کم است و در کنش‌وریه‌های فردی مانند یک مشاهده‌گر فعل‌پذیر هستند که از تقویتها و عواطف، در روابط بین فردی و خواسته‌های دیگران کناره‌گیری می‌کنند. این ویژگی‌ها هم به نوبه‌ی خود می‌تواند دلیل مضاعفی برای طرد آنها از منظومه‌های اجتماعی باشد.

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان نتیجه گرفت که در یک گروه زندانی، ما با ضوابط عمومی اختلال‌های شخصیتی مواجه هستیم که در رابطه با من‌ضعیف و حساسیت هیجانی بالا قرار گرفته است. معمولا اکثر جرایم به خاطر عدم مهار برانگیختگی‌های پرخاشگرانه و جنسی که از کنشهای مهم من است (آنا فروید، ۱۹۸۶؛ لوینگر، ۱۹۶۹ نقل از جان، پالز و وستبرگ، ۱۹۹۸) صورت می‌گیرد. من تحول نیافته به فرد اجازه می‌دهد تا به راحتی برانگیختگی‌های خود را به سوی بیرون (افراد و اشیا) معطوف دارد.

شاید بتوان مهمترین محدودیت تحقیق حاضر را عدم دسترسی به آزمونی مناسب جهت اندازه‌گیری سطح تحول‌یافتگی من آزمودنیها دانست، زیرا ۴ زیرمقیاس آزمون ۱۶ عاملی شخصیت کتل برای ارزیابی تحول‌یافتگی من، به تمام کنش‌وریه‌های من پوشش نمی‌دهد. پیشنهاد می‌شود

در مطالعات آینده، هنجارگزینی آزمون تکمیل جملات دانشگاه واشنگتن (SCT)، لووینگر و وسلر^۲، نقل از شیر و کروور، (۱۹۹۲) که به منظور سنجش تحول یافتگی من ساخته شده است مورد توجه قرار گیرد. از آنجا که نمونه ی تحقیق، محدود به زندانیان شهر زنجان بود، در تعمیم نتایج آن به سایر مناطق جغرافیایی باید احتیاط شود. همچنین وضعیت اقتصادی-اجتماعی و تفاوت‌های فرهنگی متغیرهای تاثیر گذاری هستند که می تواند بخشی از موضوع مطالعات آینده باشد.

منابع

- آیسنک، ا.ج. ج. (۱۳۷۵). جرم و شخصیت. ترجمه پاشاشریفی، ح و نجفی زند، ج. تهران: انتشارات سخن.
- خواجه موگهی، ن. (۱۳۷۲). آماده سازی مقدماتی فرم فارسی پرسشنامه بالینی چند محوری میلون ۲ (MCMII-II). استاد راهنما، براهنی، م. ن. انستیتو روانپزشکی تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد.
- دادستان، پ. (۱۳۸۲). روانشناسی جنایی. تهران: انتشارات سمت.
- سرمد، ز.، حجازی، ا. و بازرگان، ع. (۱۳۷۶). روشهای تحقیق در علوم رفتاری. تهران: انتشارات آگه.
- کراز، ژ. (۱۳۸۱). بیماریهای روانی. ترجمه منصور، م. و دادستان، پ. تهران: انتشارات رشد.
- منصور، م. (۱۳۵۱). زمینه بزهکاری کودکان و نوجوانان. تهران: شرکت سهامی چهر.
- مارنات، گ. گ. (۱۳۸۴). راهنمای سنجش روانی (جلد اول). ترجمه پاشاشریفی، ح. و نیکخو، م. ر. تهران: انتشارات رشد.
- Cattell, R. B. (1965). *The scientific analysis of personality*. Baltimore: Penguin Books.
- Fazel, S. & Danesh, J. (2002). *Serious mental disorder in 23000 prisoner: A system review of 62 surveys*. Oxford: Lancet.
- Freud, A. (1986). *Ego and the mechanisms of defense*. London: Karnac Book.
- Genden, H. & Steven, H. (2002). Maturity and personality: A study of the relationship between development maturity, ego defenses, and personality disorders. *Dissertation abstract international*, 56 (2-B): 1106-18.

- Hodgins, S. (2001). The major mental disorders and crime: Stop debating and start treating and preventing. *International Journal of Law and Psychiatry*, 24, 427-446.
- Hurt, S. (2002). *Personality disorders in female prisoners: intreindividual variability in borderline and narcissitic criteria*. Dissertation, university of Virginia.
- John, O. P., Pls, J. L. & Westenbrg, P. M. (1998). Personality prototype and ego development: conceptual similarities and relation in adult women. *Journal of personality and social psychology*, 74, (4), 1093-1108.
- Kerenberg, O. F. (1994). A psychoanalytic theory of personality disorders. In J. F. Clarcian & M.F. Lenzenwenger (Eds.) *major theories of personality disorder*. New York: Guilford press.
- Marzili, E., Field, N., Classen, C. & Oleniuk, J. (1993). The assessment of ego development in borderline personality disorder. *Canadian journal of psychiatry*, 38, xxx-xxx.
- Millon, T. (1987). *Manual for the MCMI-II* (2nd ed.). Minneapolis, MN: National Computer Systems.
- Millon, T. & Davis, R. (2000). *Personality disorders in modern life*. USA: Wiley press.
- Nee, C. & Farman, S. (2005). Female prisoners with borderline personality disorder: some promiing treatment developments. *Criminal Behaviour and Mental Health*, 15, (1), 2-16.
- Scheier, M. F. & Carver, C. S. (1992). *Perspective on personality*. New York. Penguin press.
- Tabacknick, B. G. & Fidell, L. S. (2001). *Using multivariate statistics*. Boston: Allyn Bacon.
- Timmerman, I. G. H. & Emmelkamp, P. M. G. (2006). The relationship between attachment styles and Cluster B personality disorders in prisoners and forensic inpatients. *International Journal of Law and Psychiatry*, 29, 48 – 56.
- Warren, J. I., Burnette, M., South, S. C., Chauhan, P., Bale, R. & Friend, R. (2002). Personality disorders and violence among female prison inmates. *Journal of American Academic Psychiatry Law*, 30, (4): 502-9.